



بیانات مقام معظم رهبری به مناسبت حلول سال 1373 شمسی - 29 / اسفند / 1372

بسم الله الرحمن الرحيم

یا مقلب القلوب و الابصار. یا مدبر اللیل و النهار. یا محوّل الحول و الاحوال. حوّل حالنا الی احسن الحال.

عید سعید نوروز را به همه هم میهنان عزیز و ایرانیانی که در سراسر جهان زندگی می کنند، تبریک عرض می کنم. بخصوص به اینارگران و خانواده های معظمی که به نحوی از انحاء در حرکت عظیم ملت ایران، تلاش و کوشش دشواری را متحمل شده اند. مخصوصاً به خانواده های معظم شهدا و جانبازان عزیز و خانواده هایشان. همچنین، به آزادگان عزیز و کسانی که هنوز در اسارتند و خانواده هایشان، تبریک عرض می کنم. دعا می کنیم که ان شاءالله هر چه زودتر، مفقودالائرها می و کسانی که هنوز در زندانهای اسارت گرفتارند، آزاد شوند و با بازگشت خودشان، دل ما را شاد کنند. همین طور، به ملت‌هایی که عید نوروز را عید می دانند - مردم عزیز «جمهوری آذربایجان»، و بعضی جمهوریهای دیگری که اطراف ما هستند و عید نوروز را بزرگ می شمارند - تبریک عرض می کنم و از خدای متعال، برای همه در سال جدید هجری شمسی آرزوی توفیق دارم.

ما در دعای آغاز تحویل، از خدای متعال می خواهیم که حالمان را به بهترین حال برگرداند. در طول ماه مبارک رمضان هم، از خدای متعال خواستیم که «اللهم غیر سوء حالنا بحسن حالک». بدیها و ناهنجاریهای حال ما، منش ما، از ادعیه یومیّه ماه رمضان زندگی ما و روح و جسم ما را به برکت خیر و رحمت محضی که در وجود توست، تبدیل کن. این تغییر و تحوّل، یکی از بزرگترین اسرار حرکت تکاملی انسان است که اسلام ما را به آن امر کرده و دستور داده است. مخصوص کسان خاصی هم نیست. مبادا کسی خیال کند که تغییر حال، از آن کسانی است که طبق معیارهای اسلامی، دچار بدحالی اند! حتی کسانی که حال و اخلاق نیکی دارند، چون بهترین نیستند، از خدا می خواهند که به سمت بهترین حرکت کنند. ما، هر که هستیم، هر جا هستیم و در هر مرتبه ای از دانش، معرفت، کمال و اخلاق انسانی قرار داریم، باید از خدا بخواهیم که حالمان را نیکوتر کند و ما را به سمت کاملتر شدن پیش ببرد.

این جا سؤال پیش می آید که «نشانه و جهت این کامل شدن چیست و چگونه می شود که انسان حالش بهتر می گردد و به سمت کاملتر شدن پیش می رود؟» من، دو عنوان را به عنوان نشانه به شما عزیزان خودم که این صحبت را در آغاز سال می شنوید، عرض می کنم. این دو نشانه، عبارت است از سازش و آشتی با خدا و سازش و آشتی با مردم. ما، هر جا هستیم و هر کیفیت حالی که داریم، باید به سمت ائس و آشتی کردن با خدای متعال پیش برویم. یعنی گناهان را در رفتار خودمان جستجو کنیم و آنها را کنار بگذاریم. انسان، غالباً بدیهای کار خودش را نمی شناسد. به عبارت دیگر، حبّ نفس نمی گذارد که ما به نواقص و عیوب خودمان آشنا شویم. پس، باید اول این نواقص و عیوب را جستجو کنیم و بشناسیم و با برطرف کردن آنها، خودمان را به خدا نزدیک سازیم. به تعبیر من، «با خدا، آشتی کنیم.» سپس، آشتی با مردم، صفا با مردم، وفا با مردم، نیک رفتاری با مردم و نیکوکاری با مردم را - یعنی با همه قشرها؛ مخصوصاً با کسانی که ضعیفند؛ چه ضعیف از لحاظ جسمی، چه ضعیف از لحاظ مالی، چه ضعیف از لحاظ موقعیت اجتماعی و چه ضعیف از لحاظ ندانستن راه و چاه زندگی - سرلوحه رفتار خود قرار دهیم. در برابر هر کس که قرار می گیریم، مخصوصاً اگر ضعیف باشد، به تصحیح رفتارمان با او بپردازیم و سعی مان این باشد که با مردم خوب و بندگان خدا، حالت آشتی پیدا کنیم. اگر در این جهت پیش برویم و خودمان را لحظه به لحظه پیراسته تر کنیم، آن وقت، تحویل «حال» به «احسن حال» انجام گرفته است. نمی گویم که «بهترین» خواهیم شد. اما ان شاءالله به سمت «بهترین» حرکت خواهیم کرد.

من از این فرصت، جهت عرض یک تذکر اخلاقی استفاده می کنم که آن هم برای همین بهتر شدن است. قبلاً این را بگویم: در شرایط کنونی که ما برخوردار از نظامی جوان و تازه، دارای ارزشهای متعالی و شعارهای بسیار مهم و



جهتگیری روشن و پرجاذبه برای هر انسان با انصاف هستیم، و از طرف دیگر، کشوری بزرگ و با عظمت، دارای سابقه تاریخی مهم، با فرهنگ بسیار متعالی و درخشان در طول تاریخ، با میراث ارزشمندی از گذشته و با ثروتهای فراوان مادی داریم - که یکی از این ثروتها که معلوم هم نیست بزرگترینش باشد، نفت و گاز و دیگر منابع زیرزمینی ماست - و در این کشور به این بزرگی و شکوفایی، ملتی با این عظمت زندگی می کند، جا دارد که مردم ما، این تحوّل اخلاقی را در خودشان به وجود آورند.

تذکری که می خواهم عرض کنم این است که از آغاز سال جدید، دو شاخص را به عنوان شعار برای خودمان قرار دهیم: این دو شاخص، عبارت است از «وجدان کار» و «انضباط اجتماعی». این دو شاخص، برای همه ما، در هر جا که هستیم بسیار مهم است. «وجدان کار» یعنی این که اگر کاری را به عهده گرفتیم و انجام آن را تعهد کردیم - چه این کار، برای شخص خودمان یا خانواده خودمان؛ جهت نان درآوردن باشد، و چه کاری اجتماعی و مردمی و مربوط به دیگران باشد؛ مثل امور مهم اجتماعی و مسؤولیتهای کشوری - آن را خوب و کامل و دقیق و تمام انجام دهیم. به تعبیر معروف، برای آن کار، «سنگ تمام بگذاریم». اگر ملتی دارای «وجدان کار» باشد، محصول کار او خوب خواهد شد، و وقتی محصول کار نیکو شد، وضع اجتماعی، به طور قطع بهبود پیدا خواهد کرد.

ممکن است هر کس از افراد اقتصادی یا سیاسی، تحلیلهای گوناگونی نسبت به مسائل و پدیده های مختلف کشور داشته باشد. اما من عرض می کنم: هر کس هر تحلیلی داشته باشد، راه حل مشکلات، همین دو شاخص «وجدان کار» و «انضباط اجتماعی» است. «انضباط اجتماعی»، یعنی نظم پذیری در همه امور. شما برای اعمال این انضباط، از کارهای کوچک شروع کنید. فرض بفرمایید، عبور نکردن از خطّ عابر پیاده، برای اتومبیلها، در خیابانهای شلوغ و پرجمعیت، یا همه جا. یا عبور نکردن پیاده ها از غیر محل خطّ عابر پیاده، در خیابان. این کار، در وهله اول، به نظر کوچک و پیش پا افتاده می آید. اما از همین جا شروع کنیم و انضباط اجتماعی را در همه مسائلمان تعمیم دهیم تا به مسؤولیتهای بالای کشور در برخورد با مسائل کشور برسند. یعنی کسانی که مراجعات مردمی دارند، در برخورد با مردمی که به آنها مراجعه می کنند، نظم و انضباط را حاکم کنند و کسانی که کاری را بر دوش گرفته اند، نظم و انضباط را در انجام آن کار معمول دارند. همه اینها، کشور و ملت ما را به شادابی خواهد رساند و کار آنها را پیش خواهد برد.

امروز، خوشبختانه کارها در حال پیشرفت است. من این را با اطلاع و آگاهی از مسائل کشور، به شما عرض می کنم. البته، بسیاری از مردم ما هم، به ویژه کسانی که در مسائل جاری، قرار و حضور دارند، این پیشرفت را احساس می کنند. فشارها به سمت ما از طرف قدرتهای قلدر - که دشمن ملت و استقلال ما هستند - زیاد است. اما خوشبختانه، این فشارها را این کشور با عظمت، این ملت بزرگ و این دولتمردان مخلص و صمیمی و دلسوز، با کمال قدرت، از سر خودشان دفع می کنند و در درازمدت هیچ گونه تأثیری بر زندگی واقعی آنها نمی گذارد؛ اگر چه ممکن است بعضی از مشکلات را، در کوتاه مدت، به وجود آورد. همه اینها را می توان به خوبی از سرگذراند. ما در حال پیشرفت و سازندگی و در حال بنای یک تمدن هستیم. من این را می خواهم به شما بگویم: مسأله ما این نیست که زندگی خودمان را نجات دهیم و گلیم خودمان را از آب بکشیم. مسأله این است که ملت ایران - همچنان که شأن اوست - در حال پدید آوردن یک تمدن است. پایه اصلی تمدن، نه بر صنعت و فناوری و علم، که بر فرهنگ و بینش و معرفت و کمال فکری انسانی است. این است که همه چیز را برای یک ملت فراهم می کند و علم را هم برای او به ارمغان می آورد. ما در این صراط و در این جهت هستیم. نه این که ما تصمیم بگیریم این کار را بکنیم؛ بلکه حرکت تاریخی ملت ایران در حال به وجود آوردن آن است.

در چنین شرایطی، با احراز موقعیت عظیم ملت بزرگ ایران، باید همه بدانند که چه می کنند و در چه صراطی به حرکت در می آیند. به نظر من، این دو عنوان - یعنی «وجدان کار» و «انضباط اجتماعی» - می تواند برای ما دو



شعار باشد و عرض کردم که این دو شاخص، در ما تکامل و تحوُّلی به وجود خواهد آورد که ان شاءالله آن تحوُّل، در جهت آشتی با خدای متعال و با ارزشهای الهی و آشتی با مردم و زندگی مردم است.

امیدوارم که ان شاءالله مردم عزیزمان امسال - سال 1373 هجری شمسی - را به نیکی و با برکت بگذرانند و مشمول دعوات زاکیه ولی عصر ارواحنا فداه باشند. ان شاءالله، مسؤولین دولتی هم بتوانند کارهای بزرگی را که در پیش گرفته اند، به بهترین وجه انجام دهند.

درود می فرستم به روح مطهر امام بزرگوارمان که بازکننده این راه عظمت برای ملت ما بود. امیدوارم که خداوند متعال، روح مقدس آن بزرگوار را، امسال هم مثل سالهای گذشته، مشمول تفضلات و رحمت و برکت و مغفرت خودش قرار دهد و دعوات مردم را در حق آن بزرگوار و درباره امور زندگی خودشان قبول کند.

والسلام علیکم ورحمةالله وبرکاته.